

دانش و پژوهش در علوم تربیتی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره هفدهم و هیجدهم - بهار و تابستان ۱۳۸۷

صص ۱۸۶ - ۱۶۵

تأثیر آموزش منظم به والدین بر روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان

پروین شماعی زاده^۱ - سید احمد احمدی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تعیین میزان تأثیر آموزش منظم به والدین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان بر روابط متقابل و پیشرفت تحصیلی آنان بوده است. روش تحقیق تجربی انتخاب شد. جامعه آماری، والدین دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان در سال تحصیلی ۸۷ - ۸۶ بودند. ۶۰ نفر از والدین به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه (هر گروه ۳۰ نفر) جایگزین گردیدند. متغیر مستقل آموزش منظم به والدین بود که برای ۷ جلسه تدوین و اجرا شد. ابزار سنجش، پرسشنامه سنجش خانواده و پرسشنامه مقیاس ارزیابی انطباق پذیری و همبستگی خانواده بود. برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی از معدل دانش آموزان قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل استفاده گردید.

۱- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (نویسنده مسؤول)

Email: sahmada@edu.ui.ac.ir

۲- استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

فرضیه‌های تحقیق عبارت بود از: ۱- آموزش منظم به اولیا بر روابط متقابل آنها تأثیر دارد. ۲- آموزش منظم به والدین بر ابعاد روابط خانوادگی تأثیر دارد. ۳- آموزش منظم به والدین بر همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده تأثیر دارد. ۴- آموزش منظم به والدین بر پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر دارد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی از آماره‌های فراوانی، میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی از روش کواریانس (ANCOVA) استفاده گردید. یافته‌های حاصل نشان داد که آموزش منظم به والدین در سطح ($P < 0/05$) بر روابط متقابل و خرده‌مقیاس‌های روابط خانوادگی، انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر مثبت داشته است. **کلید واژه‌ها:** آموزش والدین، روابط خانوادگی، پیشرفت تحصیلی.

مقدمه

محیط خانواده اولین محیطی است که الگوهای جسمی، عاطفی و شخصیتی فرد در آن پی‌ریزی می‌شود و نقش مهمی در تعالی و پیشرفت فرد دارد. وظیفه خانواده مراقبت از فرزندان و تربیت آنها، برقراری ارتباط سالم اعضا با هم و کمک به استقلال فرزندان است (معمدین، ۱۳۸۳). جریان تربیت کودک برای والدین لذت‌بخش و در عین حال با مشقت‌ها و ناراحتی‌های فراوان همراه است (لیلی وایت و برادلی^۱، ۱۹۹۶).

با توجه به نقش حیاتی خانواده در تربیت فرزندان هر گونه اقدام تربیتی باید از خانواده آغاز شود. از سوی دیگر نقش والدین برای یادگیری مادام‌العمر ضروری و اساسی است. «تعلیم و تربیت فراهم کردن شرایط مساعد و مناسب برای بروز و ظهور استعدادها و توانمندی‌هایی است که در نهاد آدمیان وجود دارد و به این اعتبار زمینه‌های تربیت فرزندان عبارت‌اند از: خانه، مدرسه و جامعه» (امجدیان، ۱۳۸۴). تحقیقات نشان داده است که فضای فرهنگی و تربیتی خانه و معیارها و ارزشهایی که پدران و مادران در خانه برقرار می‌کنند و برداشت آنها از مدرسه از جمله مهمترین عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی، پرورشی و عاطفی دانش‌آموزان است. ستیر^۲ (۱۹۷۷) معتقد بود که مشکلات در خانواده از سه جنبه ناشی می‌شود: ۱) نادانی اعضای خانواده در مورد نقش، وظایف و مراحل رشد، ۲) ارتباطات نادرست، ۳) ارزشهای متضاد. امروزه نقش

محرك و سازنده خانواده برای نوجوانان بر همگان روشن است. پدر و مادر اولین کسانی هستند که زیربنای شخصیت سالم یک نوجوان را می‌سازند و پایه‌گذار ارزشها و معیارهای فکری او هستند. نوجوان در این دوره بیش از هر زمان دیگر نیاز به مراقبت و همراهی والدین خود دارد.

والدین توانا کسانی هستند که از دانایی و توانایی لازم برای تربیت فرزندان برخوردار باشند. خانواده‌ای سالم و پویاست که میان والدین و فرزندان رابطه‌ای انسانی و دوستانه حاکم باشد. این ارتباط در پیشگیری از گرایش فرزندان به انحرافات اجتماعی و افت تحصیلی آنان مؤثر است.

محدثی (۱۳۸۵) اعتقاد دارد که: «تفاوت‌های سنی، شخصیتی، زمانی، فرهنگی و تربیتی بین این دو نسل طبیعی است، اما نه به این معنا که آنان را دچار فاصله و گریز سازد... اگر بین دو نسل، که یکی سرشار از تحول، دوستی، تجددخواهی، نوگرایی، نشاط و تحرک است و دیگری سرشار از تجربه‌های مفید و دریافتهای عمیق، نتوانیم آشتی برقرار کنیم و آنان را به گفت‌وگو با زبان مشترکی فرا خوانیم، از توانمندی‌ها و ذخایر هر دو قشر محروم خواهیم ماند» (محدثی، ۱۳۸۵، ص ۷۲-۷۱).

لطف‌آبادی (۱۳۸۱) بر این باور است که نوجوانی یک دوره انتقالی از وابستگی کودکی به استقلال و مسؤولیت‌پذیری جوانی و بزرگسالی است. در این دوره نوجوان با دو مسأله اساسی درگیر است: بازنگری و بازسازی ارتباط با والدین، بزرگسالان و جامعه و بازشناسی و بازسازی خود به‌عنوان یک فرد مستقل. اگر کانون خانواده دربرگیرنده محیط سالم و سازنده و روابط گرم و تعامل بین‌فردی صمیمی باشد، موجب رشد و پیشرفت همه‌جانبه اعضای خانواده می‌شود. ارتباط سازنده در خانواده بستگی به توانایی اعضای خانواده در برقراری ارتباط مؤثر و اتخاذ دیدگاهی مثبت نسبت به همدیگر دارد (مندنهال^۱، ۱۹۹۶). برای موفقیت در امر تربیت باید والدین به مهارتهایی از جمله مهارت فنی (دانش کافی و به‌روز)، مهارت انسانی (توانایی برقراری ارتباط مطلوب با آنان)، مهارت ادراکی (درک درست از مسائل و مشکلات) مسلط باشند. برگزاری کلاس‌های آموزش والدین، تغییر برنامه‌ریزی شده‌ای است که با هدف

نزدیک کردن روشهای تربیتی و آموزش والدین و مربیان و در نهایت تغییر در رفتار آنان است. تحقیقات نشان داده است که فرزندان والدینی که در این جلسات شرکت می‌کنند، مشکلات رفتاری کمتر و پیشرفت درسی و فرهنگی بیشتری پیدا می‌کنند (هورنبای^۱، ۲۰۰۰).

صنعتی شدن و شهرنشینی، ساختار خانواده را متحول کرده و نیازها و انتظارات جدیدی را آفریده است. بزرگترین مشکل انسانها، فقر ارتباطی و ناهماهنگی میان والدین و فرزندان است. به خاطر داشته باشیم که نوجوانان و جوانان امروز بیش از گذشته به روابط محبت‌آمیز، حمایت رفیقانه، هدایت حکیمانه، منطق و صلابت شخصیت، بردباری و صبوری والدین و مصونیت عاطفی نیاز دارند.

نظام تربیتی و خانواده باید با همکاری یکدیگر در جهت اهداف تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان فعالیت کنند، تا آنان به رشد لازم برسند. اصغری‌پور (۱۳۸۳) بیان می‌کند که این موضوع در صورتی تحقق می‌یابد که با استفاده از خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به‌منظور توانا ساختن والدین، تلاش لازم صورت گیرد. یکی از این خدمات ارائه برنامه‌های آموزشی منظم به والدین است. هورنبای (۱۹۹۴) بیان می‌کند: تشکیل جلسات آموزش گروهی برای والدین به‌منظور ارائه رهنمودها و اطلاعات بسیار ارزشمند است. این تحقیق بر آن است تا سطح آگاهی والدین را در مورد دوره نوجوانی با آموزش منظم بالا ببرد و تأثیر آن را بر پیشرفت تحصیلی فرزندان و روابط متقابل آنان بررسی نماید.

پژوهش‌های بسیاری در ابعاد مختلف آموزش والدین و شیوه‌های فرزندپروری و رابطه والد-فرزندی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. نتایج مطالعه مزاروس و همکاران^۲ (۲۰۰۲) نشان داد که جنبه‌های مختلف آموزش والدین مهم هستند و در زمینه ترس و اضطراب بچه‌ها، آموزش والدین به کاستن آن و در نتیجه پیشرفت تحصیلی آنها کمک می‌کند. همچنین تشویق فرزندان به یادگیری در خانه و انتظارات واقع‌بینانه والدین از عملکرد مدرسه‌ای فرزندان تأثیر بسزایی در موفقیت تحصیلی

آنان داشته است. نتایج پژوهش کریستین-سون و همکاران^۱ (۲۰۰۳) نشان داد که انتظارات بالای پدر و مادر از عملکرد فرزندان در مدرسه، همسو با عملکرد مثبت آموزشی آنها را از لحاظ فکری پرورش می‌دهد، همچنین والدینی که پاسخگوی احساسات و عواطف فرزندان خود هستند و از پیشرفت آنها حمایت می‌کنند، نقش مؤثری در عملکرد تحصیلی آنان دارند.

همچنین لورین و همکاران^۲ (۲۰۰۴) طی پژوهش مشابهی به این نتیجه دست یافتند که عوامل روابط والدینی در تعیین میزان عملکرد تحصیلی فرزندان نقش معناداری دارد (عبادی و معتمدین، ۱۳۸۵). پژوهش اسدی (۱۳۷۹) تحت عنوان «بررسی میزان تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود در دوره راهنمایی و متوسطه» نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین آموزش خانواده و ارتقای آگاهی‌ها و دانسته‌های تربیتی والدین، بهبود راهنمایی تحصیلی، هدایت دینی و اخلاقی فرزندان و شیوه‌های مناسب روابط خانوادگی وجود دارد. نتایج تحقیق کریم‌پور (۱۳۸۲) با عنوان «بررسی دیدگاه اولیای دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر نایین درباره مشکلات ارتباطی آنان با یکدیگر» بیشترین مشکلات ارتباطی والدین با دانش‌آموزان را مربوط به مقوله ارتباط کلامی صحیح و پس از آن مقوله اعتماد و درک متقابل می‌داند. همه این تحقیقات به نوعی مبین تأثیر مثبت آموزش به والدین است. از دیگر ویژگی‌های دنیای امروز، انفجار علم و دانش در همه حوزه‌ها و تأثیر شگرف آن در زندگی فردی و اجتماعی است و به تناسب گسترش علوم، حیات روانی انسانها پیچیدگی یافته است. برای شناخت بهتر انسانها نسبت به یکدیگر در مناسبات اجتماعی که خانواده عمیق‌ترین و بارزترین نمونه آن است، احتیاج به علم و دانشی بیش از گذشته است. این امر آموزش‌های مستمر را برای هر زن و مرد ضروری می‌سازد. آموزش‌هایی که نتیجه آن شناخت بیشتر باشد و خانواده‌ها را قادر سازد تا نقش و وظایف خود را در مقابل همسر و فرزندان انجام دهند.

باید پذیرفت که مادر یا پدر آگاه و مسؤول بودن مشکل است و احتیاج به آگاهی و کسب دانش‌های لازم دارد. دانایی از دانش‌ها سرچشمه می‌گیرد و دانش‌ها از

طریق آموزش به دست می‌آیند. به بیان دیگر باید یادآور شد که هیچ پدر و مادری خودبه‌خود نمی‌تواند پدر و مادر موفقی بشود، مگر اینکه دانایی‌های ضروری را کسب کند (به‌پژوه، ۱۳۸۰). انگیزه پژوهشگر از پرداختن به این پژوهش موارد زیر بوده است:

- ۱- خشت اولیه تربیت در خانواده نهاده می‌شود. ۲- آگاهی والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر است. ۳- زمان حضور دانش‌آموز در خانه بیش از زمان حضور او در مدرسه است. زمان عاملی تعیین‌کننده در تربیت است. ۴- بخش عمده‌ای از مهارت‌های زندگی و شهروندی در خانواده آموزش داده می‌شود. ۵- خانواده بستری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. با توجه به مطالبی که ذکر شد، آموزش والدین یکی از زیربنایی‌ترین نیازهای تعلیم و تربیت است و بی‌توجهی به آن لطمات فراوانی را به جامعه تحمیل خواهد کرد. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده مشاوران، روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت قرار بگیرد تا در جهت حل مسائل و مشکلات نوجوانان و جوانان گام بردارند. از سوی دیگر این پژوهش می‌تواند توجه والدین را نسبت به تغییرات طبیعی نوجوانان جلب کند و شناخت لازم را به آنها بدهد تا سعی کنند با درک فرزندان روابط بهتری با آنان برقرار کنند و از فواید آن خود و جامعه را بهره‌مند سازند.

فرضیه‌های این تحقیق عبارت‌اند از: ۱- آموزش منظم به والدین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان روابط متقابل آنان را بهبود می‌بخشد.

- ۲- آموزش منظم به والدین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان بر ابعاد روابط خانوادگی تأثیر مثبت دارد.
- ۳- آموزش منظم به والدین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان بر همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده تأثیر مثبت دارد.
- ۴- آموزش منظم به والدین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان بر پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر مثبت دارد.

روش

در این تحقیق از روش تجربی استفاده شده است. آزمودنی‌ها به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. طرح این تحقیق به این صورت است:

گروه	نمونه	پیش‌آزمون	متغیر مستقل	پس‌آزمون
آزمایش	R	T _۱	X	T _۲
گواه	R	T _۱	—	T _۲

جامعه آماری در این پژوهش والدین و دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان در سال تحصیلی ۸۷ - ۱۳۸۶ بودند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. ابتدا از بین کلیه دبیرستانهای دخترانه شهرستان دو دبیرستان انتخاب شد و در مرحله بعد به شیوه تصادفی دو کلاس انتخاب گردید. از آنجا که برای روشهای تحقیق تجربی حداقل ۱۵ نفر برای هر گروه توصیه شده است (دلاور، ۱۳۸۱)، در این پژوهش یک کلاس برای گروه آزمایش و یک کلاس برای گروه گواه به صورت تصادفی تعیین گردید. قبل از اجرای متغیر مستقل (X) آزمودنی‌های هر دو گروه در پیش‌آزمون شرکت کردند. والدین دانش‌آموزان گروه آزمایش تحت تأثیر متغیر مستقل قرار گرفتند.

متغیر مستقل در این تحقیق آموزش والدین بود و طی ۷ جلسه به ترتیب زیر اجرا گردیده است: جلسه اول: فرایند بلوغ و مسائل ناشی از آن، جلسه دوم: شکل‌گیری هویت، جلسه سوم: تحول جنسی، جلسه چهارم: تحول ارزش‌ها، جلسه پنجم: روابط نوجوان با خانواده و دوستان، جلسه ششم: مشکلات تحصیلی، جلسه هفتم: اختلالات عاطفی، رفتاری. متغیر وابسته در این تحقیق همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده، پیشرفت تحصیلی و روابط متقابل اولیا و فرزندان بوده است.

ابزار پژوهش

- ۱- در این پژوهش از معدل نمرات دانش‌آموزان برای ارزیابی میزان پیشرفت تحصیلی آنان استفاده شده است. معدل نمرات نیمسال اول سال تحصیلی قبل از اعمال متغیر مستقل به‌عنوان پیش‌آزمون و معدل نمرات نیمسال دوم به‌عنوان پس‌آزمون منظور شده است.
- ۲- پرسشنامه ابزار سنجش خانواده^۱ که یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است و ناتان بی‌اپشتاین،

لارنس ام. بالدوین، و دوان اس. بیشاپ^۱ برای سنجیدن عملکرد^۲ خانواده بنا بر الگوی مک مستر^۳ تدوین کرده‌اند. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را مشخص می‌کند و شش بعد از عملکرد خانواده یعنی حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی^۴ عاطفی، آمیزش^۵ عاطفی و کنترل رفتار را می‌سنجد. مقیاس هفتم عملکرد کلی خانواده را ارزیابی می‌کند. روش نمره‌گذاری آن به این شکل است که به هر سؤال ۱ تا ۴ نمره تعلق می‌گیرد. کاملاً موافق = ۱ نمره، موافق = ۲ نمره، مخالف = ۳، کاملاً مخالف = ۴، به سؤال‌هایی که توصیف عملکرد ناسالم‌اند، یعنی سؤال‌های شماره ۱، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۱، ۳۹، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴ و ۵۸ نمره معکوس داده می‌شود. نمرات کمتر نشانه عملکرد سالم‌تر خانواده است.

۳- مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده: این مقیاس یک ابزار ۲۰ سؤالی است که توسط دیوید اچ. اولسن، جویس پورتنر، و یوآف لوی^۶ برای سنجش دو بعد عملکرد خانواده^۷ یعنی، همبستگی و انطباق‌پذیری تدوین شده است و بر اساس الگوی حلقوی پیچیده^۸ عملکرد خانواده ساخته شده است، سه بعد محوری در عملکرد خانواده یعنی همبستگی، انطباق‌پذیری (قدرت تغییر کردن) و ارتباط را ارزیابی می‌کند.

روایی^۹ و پایایی^{۱۰} پرسشنامه‌ها

پایایی پرسشنامه‌ها: ابزار سنجش خانواده با ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌ها از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ از همسانی درونی خوبی برخوردار است.

1 – Nathan B. Epstein., Lawrence M. Baldwin and Duane S. Bishop

2 – Functioning

3 – McMaster Model

4 – Responsivenss

5 – Involvement

6 – David H Olsen, Joyce Portner and Yoav Lavee

7 – Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale (FACES-III)

8 – Family functioning

9 – Validity

10 – Reliabilit

پرسشنامه مقیاس انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده با آلفای ۰/۶۸ برای کل ابزار، آلفای ۰/۷۷ برای همبستگی خانواده و آلفای ۰/۶۲ برای انطباق‌پذیری از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است. ضرایب همبستگی در بازآزمایی برای همبستگی خانواده ۰/۸۳ و برای انطباق‌پذیری ۰/۸۰ بوده و نشان‌دهنده ثبات بسیار خوب پرسشنامه است.

روایی پرسشنامه‌ها: شش خرده‌مقیاس پرسشنامه سنجش خانواده از استقلال برخوردارند. این ابزار دارای روایی همزمان و پیش‌بین است. ابزار سنجش خانواده در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج با مقیاس رضایت زناشویی لاک - والاس همبستگی متوسط داشته و قدرت خوبی برای پیش‌بینی نمرات مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا نشان داده است (ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹).

پرسشنامه مقیاس انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده از روایی صوری خوبی برخوردار است. چندین تحقیق نشان داده است، این مقیاس برای گروه‌های شناخته از روایی خوبی برای متمایز کردن خانواده‌ها در چند مقوله از مشکلات برخوردار بوده است.

شیوه اجرا: پس از تعیین تصادفی گروه آزمایش و گواه در یک جلسه و به صورت همزمان پرسشنامه‌ها در اختیار آنان قرار گرفت. بعد از یک هفته با دعوت از گروه آزمایش زمان و مکان جلسات آموزشی تعیین شد. برنامه آموزشی با استفاده از روش کارگاهی، سخنرانی، پرسش و پاسخ، ایفای نقش و نمایش فیلم توسط محقق اجرا گردید. دو هفته پس از اتمام دوره آموزشی با دعوت از گروه آزمایش و گواه پرسشنامه‌ها مجدداً در اختیار آنان قرار گرفت. در پایان از حضور و مشارکت صمیمانه کلیه اولیا قدردانی شد و قرار شد پس از مشخص شدن نتایج، اطلاعات در اختیار آنان قرار گیرد.

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در سطح توصیفی از آماره‌هایی نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و واریانس و در سطح آمار استنباطی از تحلیل کواریانس (ANCOVA) استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

فرضیه اول: آموزش منظم به والدین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان روابط متقابل آنان را بهبود می‌بخشد.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمره پیش‌آزمون و پس‌آزمون روابط متقابل و پیشرفت تحصیلی

مقیاس	آزمون	میانگین	انحراف معیار
روابط متقابل والدین و دانش‌آموزان	پیش‌آزمون	۲/۹۷	۲/۷۲
	پس‌آزمون	۲/۷۵	۳/۴۶
پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان	پیش‌آزمون	۱۴/۶۹	۲/۱۹
	پس‌آزمون	۱۴/۹۱	۲/۵۹
روابط متقابل والدین و دانش‌آموزان	پیش‌آزمون	۲/۸۲	۳/۸۸
	پس‌آزمون	۴/۳۸	۳/۷۴
پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان	پیش‌آزمون	۱۴/۷۵	۲/۵۲
	پس‌آزمون	۱۶/۱۲	۲/۵۹

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره پیش‌آزمون و پس‌آزمون روابط متقابل والدین و دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر در گروه گواه و آزمایش آمده است.

جدول ۲- آزمون لوین همگنی واریانس‌ها

F	df ۱	df ۲	sig
۱/۳۰۹	۱	۵۸	۲/۵۷

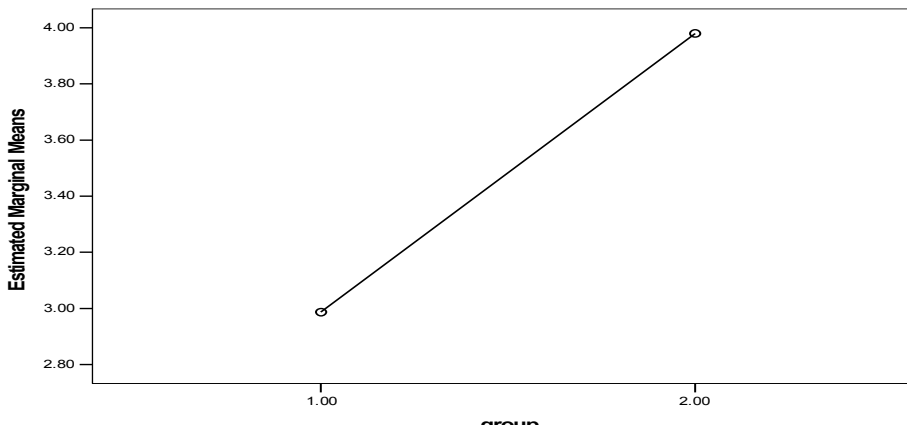
براساس یافته‌های جدول ۲، F مشاهده شده در سطح $P \leq 0.05$ معنادار نبوده است. بنابراین پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها پذیرفته می‌شود و می‌توان از تحلیل کواریانس استفاده کرد.

جدول ۳- آزمون تحلیل کواریانس مقایسه میانگین نمره
پس آزمون روابط متقابل در دو گروه

Power	Eta	sig	F	گروه
۱	/۸۷۹	/۰۰۱	۴۱/۳۵	

براساس یافته‌های جدول ۳، F مشاهده شده با سطح اطمینان $P \leq /۰۵$ معنادار بوده است. بنابراین بین میانگین نمرات پس آزمون روابط متقابل والدین و دانش آموزان تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر برنامه آموزشی بر روابط متقابل والدین و فرزندان مؤثر بوده است. براساس ضریب اتا ۸۷ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس آزمون روابط متقابل ناشی از آموزش بوده است. توان آماری ۱ نیز نشان دهنده کفایت حجم نمونه است. نمودار ۱ میزان تأثیر آموزش را بر روابط والدین و فرزندان نشان می دهد.

Estimated Marginal Means of post1



نمودار ۱- میزان تأثیر آموزش بر روابط والدین و دانش آموزان

فرضیه دوم: آموزش منظم به والدین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان بر ابعاد روابط خانوادگی تأثیر مثبت دارد.

جدول ۴- توزیع میانگین و انحراف معیار نمرهٔ پیش‌آزمون خرده‌مقیاس‌ها

مقیاس	گروه	میانگین	انحراف معیار
حل مشکل	گواه	۳/۴۳	۰/۴۹۸
	آزمایش	۲/۲۶	۰/۸۲۷
ارتباط	گواه	۳/۲۳	۰/۸۵۶۸
	آزمایش	۲/۶۳	۰/۸۸۹
نقش‌ها	گواه	۲/۸۳	۰/۵۹۲
	آزمایش	۲/۰۳	۱/۰۵
همراهی عاطفی	گواه	۲/۷۶	۰/۶۲۶
	آزمایش	۳/۴۰	۰/۶۷۴
آمیزش عاطفی	گواه	۲/۶۳	۰/۷۱۸
	آزمایش	۲/۹۶	۰/۹۹۹
کنترل رفتار	گواه	۳/۰	۰/۶۴۳
	آزمایش	۳/۳۶	۰/۸۰۸

جدول ۴ توزیع میانگین و انحراف معیار نمرهٔ پیش‌آزمون خرده‌مقیاس‌های روابط متقابل والدین و دانش‌آموزان در دو گروه گواه و آزمایش را نشان می‌دهد.

جدول ۵- توزیع میانگین و انحراف معیار نمرهٔ پس‌آزمون خرده‌مقیاس‌ها

مقیاس	گروه	میانگین	انحراف معیار
حل مشکل	گواه	۲/۸۰	۱/۱۸
	آزمایش	۴/۱۶	۰/۵۹۲
ارتباط	گواه	۲/۸۳	۰/۶۴۷
	آزمایش	۴/۲۶	۰/۷۳۹
نقش‌ها	گواه	۳/۲۳	۰/۴۳۰
	آزمایش	۴/۲۳	۰/۷۷۳

۱/۸۴۴	۲/۶۶	گواه	همراهی عاطفی
۱/۵۰۸	۴/۵۰	آزمایش	
۱/۸۴۶	۲/۲۰	گواه	آمیزش عاطفی
۱/۶۷۴	۴/۶۰	آزمایش	
۱/۸۱۷	۲/۷۶	گواه	کنترل رفتار
۱/۵۰۴	۴/۵۶	آزمایش	

جدول ۵ میانگین و انحراف معیار نمره‌های پس‌آزمون خرده‌مقیاس‌های روابط متقابل والدین و فرزندان را در دو گروه گواه و آزمایش نشان می‌دهد.

جدول ۶- آزمون تحلیل کواریانس مقایسه میانگین نمره خرده‌مقیاس‌ها

مقیاس	F	sig	Eta	Power
حل مشکل	۲۵/۱۰	/۰۰۱	/۳۲۶	/۹۹۸
ارتباط	۲۳/۷۲	/۰۰۱	/۳۱۳	/۹۹۸
نقش‌ها	۱۹/۳۴	/۰۰۱	/۲۷۱	/۹۹۱
همراهی عاطفی	۳۸/۶۸	/۰۰۱	/۴۲۷	۱
آمیزش عاطفی	۴۷/۸۶	/۰۰۱	/۴۷۹	۱
کنترل رفتار	۳۹/۰۴	/۰۰۱	/۴۲۹	۱

براساس یافته‌های جدول ۶، F مشاهده شده با سطح اطمینان $P \leq /۰۵$ معنادار بوده است. بنابراین بین میانگین نمرات پس‌آزمون خرده‌مقیاس‌های روابط متقابل والدین و فرزندان تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر برنامه آموزشی بر خرده‌مقیاس‌ها مؤثر بوده است. براساس ضریب اتا ۳۲ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس‌آزمون حل مشکل، ۳۱ درصد ارتباط، ۲۷ درصد نقش‌ها، ۴۲ درصد همراهی عاطفی، ۴۷ درصد آمیزش عاطفی و ۴۳ درصد کنترل رفتار ناشی از آموزش بوده است. توان آماری ۱ نیز نشان‌دهنده کفایت حجم نمونه است.

فرضیه سوم: آموزش منظم به والدین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان بر همبستگی و انطباق پذیری خانواده تأثیر مثبت دارد.

جدول ۷- میانگین نمره پس آزمون انطباق پذیری و همبستگی

مقیاس	گروه	میانگین	انحراف معیار
انطباق پذیری	گواه	۲/۶۳	/۹۹۹
	آزمایش	۴/۱۶	/۷۴۶
همبستگی	گواه	۲/۶۶	/۶۰۶
	آزمایش	۴/۲۶	/۶۳۹

براساس یافته‌های جدول ۷ میانگین نمره پس آزمون انطباق پذیری در گروه گواه ۲/۶۳ و در گروه آزمایش ۴/۱۶ و نمره پس آزمون همبستگی در گروه گواه ۲/۶۶ و در گروه آزمایش ۴/۲۶ بوده است.

جدول ۸- آزمون لوین همگنی واریانس‌ها

	F	df ۱	df ۲	sig
انطباق پذیری	۳/۴۶	۱	۵۸	/۰۶۸
همبستگی	/۴۸۵	۱	۵۸	/۴۸۹

براساس یافته‌های جدول ۸، F مشاهده شده در سطح $P \leq /۰۵$ معنادار نبوده است. بنابراین پیش فرض همگنی واریانس‌ها پذیرفته می‌شود و می‌توان از تحلیل کواریانس استفاده کرد.

جدول ۹- آزمون تحلیل کواریانس مقایسه میانگین نمره پس آزمون انطباق پذیری و همبستگی

مقیاس	F	sig	Eta	Power
انطباق پذیری	۳۳/۴۸	/۰۰۱	/۳۷۰	۱
همبستگی	۹۳/۳۶	/۰۰۱	/۶۱۸	۱

براساس یافته‌های جدول ۹، F مشاهده شده با سطح اطمینان $P \leq /0.05$ معنادار بوده است. بنابراین بین میانگین نمرات پس‌آزمون تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر برنامه آموزشی بر میزان انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده مؤثر بوده است. براساس ضریب اتا ۳۷ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس‌آزمون انطباق‌پذیری و ۶۲ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس‌آزمون همبستگی ناشی از آموزش بوده است. توان آماری ۱ نیز نشان‌دهنده کفایت حجم نمونه است.

فرضیه چهارم: آموزش منظم به والدین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان بر پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر مثبت دارد.

براساس یافته‌های جدول ۱ میانگین نمره پس‌آزمون پیشرفت تحصیلی در گروه گواه $14/75$ و در گروه آزمایش $16/12$ بوده است.

جدول ۱۰- آزمون لوین همگنی واریانس‌ها

sig	Df۲	Df۱	F
/0.06	58	1	3/81

براساس یافته‌های جدول ۱۰، F مشاهده شده در سطح $P \leq /0.05$ معنادار نبوده است. بنابراین پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها پذیرفته می‌شود و می‌توان از تحلیل کواریانس استفاده کرد.

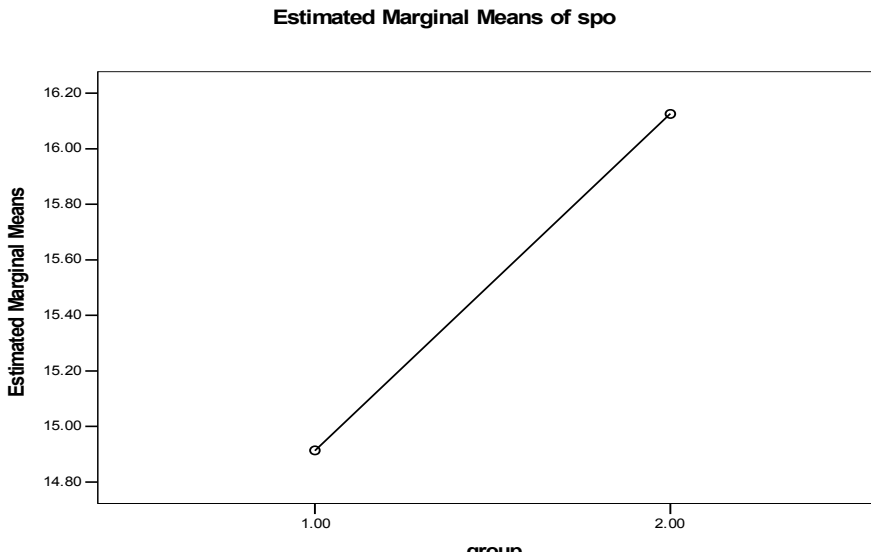
جدول ۱۱- آزمون تحلیل کواریانس مقایسه میانگین

نمره پس‌آزمون پیشرفت تحصیلی

Power	Eta	sig	F	گروه
/90.3	/16.2	/0.02	10/99	

براساس یافته‌های جدول ۱۱، F مشاهده شده در سطح اطمینان $P \leq /0.05$ معنادار بوده است. بنابراین بین میانگین نمرات پس‌آزمون پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر برنامه آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. ضریب اتا نشان می‌دهد که ۱۶ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس‌آزمون پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ناشی از آموزش بوده است. توان آماری ۰/۹ نیز نشان‌دهنده کفایت حجم نمونه است. نمودار ۲ میزان تأثیر آموزش را بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نشان می‌دهد.



نمودار ۲- میزان تأثیر آموزش بر پیشرفت تحصیلی

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده از مهمترین نهادهای اجتماعی است که پناهگاه و محیطی امن برای تربیت و پرورش فرزندان و گسترش آموزش‌های اولیه و محل بازتاب احساسات است. پدر و مادر به عنوان مدیر خانواده مسئولیت سنگینی بر عهده دارند. رشد سریع فناوری که موجب تغییر در ساختارهای خانواده شده از یکسو و سرعت ارتباطات از سوی دیگر باعث شده که افراد دیگر نتوانند به تجربه خود زیاد متکی باشند و با توسعه آگاهیها و اطلاعات راههایی پیدا کنند که بتوانند ارتباط مؤثری با نوجوانان خود برقرار کنند.

آموزش خانواده‌ها در شکل و سامان دادن به رفتارهای مورد نیاز آنان مؤثر است و ابزارهای لازم برای مواجهه با شرایط و موقعیت‌های مختلف در تربیت فرزندان را در اختیار والدین قرار می‌دهد. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها به شرح زیر است:

۱- براساس یافته‌های جدول ۳، F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار است، بنابراین برنامه آموزش بر روابط متقابل والدین و فرزندان مؤثر است. ضریب اتا نشان می‌دهد که ۸۷ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس‌آزمون ناشی از آموزش بوده است. این نتیجه با نتایج پژوهش اسدی (۱۳۷۹) که رابطه معنادار بین آموزش خانواده و ارتقای آگاهیها و دانسته‌های تربیتی والدین و شیوه‌های مناسب روابط خانوادگی را تأیید کرده و کریم‌پور (۱۳۸۲) مبنی بر اینکه بیشترین مشکلات دانش‌آموزان دبیرستانی را مربوط به روابط با خانواده دانسته‌اند و تأثیر مثبت شرکت والدین در جلسات آموزشی در پیشگیری و کاهش مشکلات تأیید شده، نیز همسو بوده است. همچنین با نتیجه تحقیق عبادی و معتمدین (۱۳۸۵) که تأثیر آموزش را بر شیوه‌های فرزندپروری و روابط صحیح و سلامت روانی خانواده تأیید کرده‌اند، همسو است.

در تبیین این نتیجه به نظر می‌رسد که اطلاع والدین از تأثیرات روشهای فرزندپروری و شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح با فرزندان سبب می‌شود که در رفتارهای خود تجدیدنظر کرده و روشهای صحیح تربیتی را در برخورد با فرزندان در پیش بگیرند. همچنین اولیای خانواده‌ها اغلب با روحیات فرزندان خود آشنا نیستند و آنها را درک نمی‌کنند. چنانچه اولیا قادر باشند افکار و احساسات خود را با افکار و احساسات نوجوان خود همسو کنند و انطباق دهند، می‌توانند آنها را درک کنند. چنین درکی باعث می‌شود تا آنها با درایت به برخورد با نوجوان خود بپردازند و از پیشداوری‌های گوناگون نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود به‌موقع جلوگیری کنند و برخوردهای متناسب با آنها را طرح‌ریزی نمایند.

۲- براساس یافته‌های جدول ۶، F مشاهده شده در $P \leq 0/05$ معنادار بوده و بین میانگین نمرات پس‌آزمون خرده‌مقیاس‌های روابط متقابل والدین و فرزندان تفاوت وجود دارد. به‌عبارت دیگر برنامه آموزشی بر خرده‌مقیاس‌ها مؤثر بوده است. براساس ضریب اتا

۳۲ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس‌آزمون حل مشکل، ۳۱ درصد ارتباط، ۲۷ درصد نقش‌ها، ۴۲ درصد همراهی عاطفی، ۴۷ درصد آمیزش عاطفی و ۴۳ درصد کنترل رفتار ناشی از آموزش بوده است. نتیجه این پژوهش با یافته‌های تحقیق اسدی (۱۳۷۹)، مزاروس و همکاران (۲۰۰۲)، کریستین‌سون و همکاران (۲۰۰۳) و لورین و همکاران (۲۰۰۴) و کریم‌پور (۱۳۸۲) مبنی بر اینکه بیشترین مشکلات ارتباطی والدین با دانش‌آموزان متوسطه مربوط به مقوله کلامی، اعتماد و درک متقابل بوده و نیز تأثیر مثبت آموزش خانواده بر آن، همسو است. دلایل احتمالی تبیین این نتیجه عبارت است از: الف) آگاهی از نقش و وظایف افراد در پیشگیری از مشکلات در خانواده مؤثر بوده است و روابط متقابل در ابعاد روابط خانوادگی تحت تأثیر آموزش بهبود می‌یابد. ب) برقراری روابط سالم با همسالان تحت تأثیر برنامه آموزشی بر سایر روابط خانوادگی نیز اثر می‌گذارد. ج) والدینی که روش‌های حل مشکل را یاد می‌گیرند، در برخورد با مشکلات فراروی فرزند نوجوان خود از شیوه‌های صحیح‌تری بهره می‌گیرند، این امر موجب کاهش تنش در خانواده و بهبود روابط خانوادگی می‌شود. د) شناخت صحیح والدین از نقش خود و ضرورت همراهی عاطفی فرزندان باعث می‌شود، در شرایط بحرانی نوجوانی وی را در مواجهه با مشکلات ارتباطی با جنس مخالف به‌درستی راهنمایی و هدایت کنند. در نتیجه اعتماد فرزند به والدین جلب می‌شود که عامل مهمی برای یاری رساندن به موقع به فرزند شده و روابط آنان را به طرز چشمگیری بهبود می‌بخشد.

۳- بر اساس یافته‌های جدول ۹، F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بوده، بنابراین برنامه آموزشی بر میزان انطباق‌پذیری و خودهمبستگی خانواده مؤثر بوده است. ضریب اتا نشان می‌دهد که ۶۲ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس‌آزمون خودهمبستگی و ۳۷ درصد تغییرات در انطباق‌پذیری ناشی از آموزش بوده است و توان آماری ۱ نیز نشان‌دهنده کفایت حجم نمونه است. نتیجه این پژوهش با یافته مزاروس و همکاران (۲۰۰۲) و اسدی (۱۳۷۹) همسو می‌باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت: الف) آگاهی از ویژگی‌های نوجوانی زمینه را برای انعطاف‌پذیری والدین و درک متقابل فراهم می‌کند و همزمان با بهبود انطباق‌پذیری والدین، با فرزندان

نزدیکی بیشتری احساس می‌کنند و در نتیجه همبستگی خانوادگی نیز افزایش می‌یابد. ب) افزایش انطباق‌پذیری والدین زمینه را برای پذیرش تغییرات ناگهانی سنین نوجوانی فراهم می‌سازد و والدین راحت‌تر خود را با این تغییرات هماهنگ می‌کنند و همبستگی اعضای خانواده بهبود می‌یابد. ج) به نظر می‌رسد محور قرار دادن خانواده، حفظ و دوام آن می‌تواند خودخواهی و خودمحوری را در افراد کاهش دهد و گذشت آنان را بیشتر کند تا علاوه بر بهبود روابط متقابل، میزان همبستگی خانوادگی افزایش یابد.

۴- براساس یافته‌های جدول ۱۱، F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بوده، بنابراین برنامه آموزش منظم به والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. ضریب اتا نشان می‌دهد ۱۶ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس از آزمون پیشرفت تحصیلی ناشی از آموزش بوده است. این نتیجه با یافته مزاروس و همکاران (۲۰۰۲)، کریستین‌سون و همکاران (۲۰۰۳)، لوراین و همکاران (۲۰۰۴)، اسدی (۱۳۷۹) و کریم‌پور (۱۳۸۲) همسو است. در تحلیل این نتیجه به نظر می‌رسد:

۱- داشتن روابط خوب و مناسب بین اولیا و فرزندان باعث تقویت روحیه دانش‌آموز شده، وی را به زندگی و آینده امیدوار می‌کند. درک چنین وضعیتی دانش‌آموز را به تحصیل علاقه‌مند می‌سازد و موجب پیشرفت تحصیلی او می‌گردد. ۲- یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی عملکرد خانواده در قبال فرزند است. وقتی والدین نقاط ضعف و قوت نوجوان خود را بشناسند و انتظارات متناسب از او داشته باشند، بالطبع فرزند اعتماد به نفس و انگیزه بیشتری خواهد داشت که نتیجه آن پیشرفت تحصیلی است. ۳- دیگر اینکه وقتی فرزندان با والدین رابطه مثبتی دارند، احتمالاً این رابطه دوستانه را به معلم انتقال می‌دهند. بنابراین معلم، تدریس و مطالب برای وی جالب و دوست‌داشتنی می‌نماید، بروز این وضعیت زمینه را برای عملکرد تحصیلی بهتر فراهم می‌کند.

نتایج فرعی این پژوهش نیز به این شرح است: ۱- اشتیاق اولیا به ارتقای آگاهیها و یادگیری شیوه‌های صحیح ارتباطی، منظم و مستمر بودن جلسات آموزشی، استفاده از شیوه‌های فعال و هماهنگی با آنان برای تشکیل جلسات خارج از ساعات اداری موجب حضور منظم و با انگیزه اولیا شده بود. ۲- تکالیفی که هر جلسه به والدین داده می‌شد و

بازخورد آن در جلسه بعد در تعمیق و تمرین و کاربرد آموزش‌ها بسیار مؤثر بود. ۳- اختصاص فضای مناسب جهت کودکان و نمایش برنامه‌های سرگرم‌کننده موجب شد که والدین با تمرکز و آرامش در جلسات حضور یابند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر موارد زیر پیشنهاد می‌شود: ۱- تفکیک اولیای باسواد و بی‌سواد و اختصاص برنامه‌های آموزشی متناسب برای هر گروه. همچنین برنامه آموزش خانواده به صورت مجازی برای خانواده‌های برخوردار توصیه می‌شود. ۲- ایجاد تغییر در محتوای برنامه آموزش والدین تا بتواند تغییرات لازم برای هماهنگی با جامعه را در اولیا ایجاد کند. حتی فراتر از این آمادگی برای تغییر را در آنان فراهم نماید تا والدین بتوانند برای تغییرات برنامه‌ریزی کنند و ابتکار عمل را در دست داشته باشند. ۳- اختصاص امتیاز به اولیای شرکت‌کننده و لزوم ارائه گواهینامه به عنوان شرط لازم برای ثبت نام فرزندان ۴- آموزش و تقویت مهارت‌های ارتباطی مانند شنود مؤثر و ... به دانش‌آموزان به عنوان والدین آینده.

منابع

- اسدی، شهرام. (۱۳۷۹)، «بررسی میزان تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود در دوره راهنمایی و متوسطه شهرستان شهرضا»، *نشریه آموزه*، شماره ۸.
- امجدیان، کیومرث. (۱۳۸۴)، «چرا آموزش خانواده مهم و ضروری است»، *ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند*، شماره ۳۱۳.
- اصغری پور، حمید و نگار اصغری پور و منوچهر فضلی خانی. (۱۳۸۳)، *مشاوره با دانش‌آموز در مدرسه*، مشهد، انتشارات ضریح آفتاب.
- به‌پژوه، احمد. (۱۳۸۰)، *اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان*، تهران، انتشارات رویش.
- ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۷۹)، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، انتشارات بعثت.
- دلاور، علی. (۱۳۸۱)، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، مؤسسه نشر و ویرایش.

عبادی، غلامحسین و مختار معتمدین. (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه ولی- فرزند، ابراز وجود و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر تبریز»، *فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن مشاوره ایران*، جلد ۶، شماره ۲۳.

کریم‌پور، احمد. (۱۳۸۲)، «بررسی دیدگاه اولیای دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر نایین درباره مشکلات ارتباطی آنان با یکدیگر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.

گال، مردیت. والتر بورگ. جویس گال. *روش‌های تحقیقی کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی و دیگران، (۱۳۸۴)، جلد اول، چاپ دوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، سمت.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۱)، *رشد و تغییرات تفکر در نوجوانی و جوانی*، سازمان ملی جوانان، تهران، انتشارات نسل سوم.

محدثی، جواد. (۱۳۸۵)، *رابطه‌ها*، قم، مؤسسه کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

معتمدین، مریم. (۱۳۸۳). «تأثیر آموزش راهبردهای مقابله با باورهای غیرمنطقی بر این باورها و رضایت زناشویی زوجها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

Christenson, Sandra. Jane, Conoley and other practioners, (2003). *Pareneducation*, website Dev Development Center For in Formation technology impacts children.

Hornby, G. (1994). *Counseling in child disability*. London: Chapman and Hall.

Hornby, G. (2000). *Improving parental Involvement*. London: Cassell.

Lillywithe, H.S. & Brradly, D.P. (1996). *Communication problems in mental retardation*. New York: Harper and Row.

Mendenhall, T.J. (1996). The effectiveness of family intervention for pysical disorder. *Journal of marital and family*, 29 .

Mezaros, S. Melissa–Chase. (2002). Bonnie – Granam, Gloria– Bird, *Parent education*, website Development Center For inFormation technology impacts on children.

Satier, V. (1977). *The New people making*. Mountain view, California: Science Behavior Books. Inc.

تاریخ وصول: ۸۷/۶/۲

تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۱/۲۹